



نظری و نقدی به کتاب

رسالتان فی التصور و التصدیق

محمود یوسف ثانی

مورد توجه قرار داده و دربارهٔ رابطهٔ علم با معلوم پژوهشگری کرد. روشن است که بحث هستی‌شناختی دربارهٔ علم و اقسام آن، همچون بحث از هستی همهٔ موجودات دیگر، از مباحث دانش‌اعلی و علم برتر، یعنی فلسفهٔ اولی است و بحث دربارهٔ جنبهٔ معرفت‌شناختی و اپیستمولوژیک علم نیز از جهت کاوش دربارهٔ میزان واقع‌نمایی علوم و دانشها بطور کلی و حدود و ثغور حکایت آنها از واقعیات خارجی، از جمله مباحث شناخت‌شناسی است و بخشی از مسائل فلسفه را تشکیل می‌دهد. این نوع مباحث هر دو از جمله معقولات ثانیه به اصطلاح فلسفی می‌باشند؛ یعنی معقولاتی که عروضشان در ذهن و اتصاف موضوعات و موصوفات آنها در خارج می‌باشد. ولی بحث دربارهٔ تصور و تصدیق از آن جهت که چگونه صلاحیت ایصال به مجهول یا نافع بودن در این ایصال را پیدا می‌کنند و عوارضی که از این جهت عارض آنها می‌شود از جمله مسائل علم منطبق است، و از نوع معقولات ثانیه منطقی است. یعنی معقولاتی که عروض و اتصافشان هر دو در ذهن است؛ زیرا معقولات ثانیه منطقی آن معقولاتی هستند که مطابق حکم و محکی عنه آنها و حمل آنها بر مفاهیم و انتزاع این مفهوماها از

رسالتان فی التصور و التصدیق
للقطب الرازی و الصدرالشرازی^۱

دانش منطبق که عهده‌دار آموزش روشهای اکتساب مجهولات از معلومات است، مقدمه همهٔ دانشها عموماً و دانش فلسفه یا حکمت الهی، خصوصاً می‌باشد. مجهولات ما همچون معلومات، به دو قسم کلی تصور و تصدیق، یعنی آن صور علمی که حکمی در آنها وجود ندارد و آن صور که با آنها حکمی هست، تقسیم می‌شوند. بنابر این ابتدا شناختن و شناساندن این دو قسم اصلی دانش لازم و ضروری است تا سپس روش خاص تحصیل هر یک از آن دو از مبادی و مقدمات خودشان دانسته شود.

تصور و تصدیق هر دو از اقسام علمند و برای علم نیز دو وجه و جنبه جدا از یکدیگر می‌توان قایل شد. چنانکه یک بار می‌توان علم را از جهت مباحث هستی‌شناختی و انتولوژیک مورد پژوهش و کاوش قرارداد و دربارهٔ نحوهٔ وجود و چگونگی هستی آن بحث کرد و بار دیگر می‌توان علم را از جهت مباحث معرفت‌شناختی و اپیستمولوژیک

۱- تحقیق احمد شریعتی، قم، موسسهٔ اسماعیلیان ۱۴۱۶.

**□ منطقیان، به هنگام شروع بحث درباره منطق نخست
به تعریف علم و سپس تقسیمات آن مبادرت می‌ورزند و از
این رهگذر به تعریف تصور و تصدیق روی می‌آورند.**

معارف اسلامی است، نه به آن معنی است که در آثار حکمای پیشین هیچ اثری از آن یافت نمی‌شود، زیرا حکمای مشائی یونان و خصوصاً ارسطو و همچنین رواقیان در آثار خود به این تقسیم اشاراتی نموده‌اند، ولی هیچ‌گاه آن را به صورت یک اصل موضوعی مطرح نکرده و پژوهش عمیقی درباره آن ارائه نداده‌اند. حکمای اسلامی علاوه بر تحقیق در ماهیت و اجزاء درونی این اقسام علم، از آنها در تقسیم‌بندی مسائل و مبادی جمیع علوم و دانشهای بشری، بهره‌های شایانی برده‌اند. این تحقیقات تا آنجا ادامه یافته که برخی از حکیمان و دانشمندان به تصنیف و تألیف رساله‌های مستقلی درباره مسئله تصور و تصدیق و روشن نمودن وجوه گوناگون آن دست یازیده‌اند که از آن جمله می‌توان به رساله‌های تصور و تصدیق قطب رازی و صدر شیرازی اشاره کرد. این دو رساله در کتاب مورد بحث ما با عنوان «رسالتان فی التصور و التصدیق» به صورتی محققانه و عالمانه تصحیح و تحقیق شده در کنار هم به طبع رسیده‌اند. مصحح محترم در فصلی که با عنوان «تمهید عام» در آغاز رساله قطب رازی منعقد کرده‌اند، نخست به پیشینه تاریخی بحث تصور و تصدیق اشاره کرده، ضمن رد قول کسانی که آن را از ابداعات فارابی دانسته‌اند ردپای بحث در آثار ارسطو را نشان داده، منشاء آن در آثار وی را به دست داده‌اند. سپس به بررسی مسئله در آثار فارابی و شیخ‌الرئیس پرداخته، بحثهای اساسی ذیل را مرتبط با مسئله تقسیم علم به تصور و تصدیق و تعریف علم دانسته‌اند:

- ۱- علم و تعریف آن
- ۲- حکم و تعریف آن
- ۳- جهل و اقسام و تعریف آن
- ۴- نسبت تصور و تصدیق با یکدیگر
- ۵- اقسام تصور و تصدیق
- ۶- آنچه که ممکن است متعلق هر یک از تصور و تصدیق واقع شود.
- ۷- ارتباط قضیه و تصدیق

۲- اسفار، ج ۱، ص ۳۳۲.

۳- آگاهی و گواهی، مهدی حائری یزدی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران؛ ۱۳۶۰، ص ۲۹.

موصوفاتشان، نحوه وجود ذهنی آنهاست با این قید که قضایای معقوده آن، همگی از سنخ قضایای ذهنی هستند.^۲

از این جهت بحث درباره تصور و تصدیق در منطق نه درباره وجود یا عدم آنهاست و نه بحث درباره خود علم تصویری یا تصدیقی از جهت دلالت بر معلوم، بلکه در منطق به تبع نوع مباحث آن از تصویریت تصورات و تصدیقیت تصدیقات بحث می‌شود. چنانکه مثلاً در مبحث کلیات خمس از خود مفاهیم کلیه مثل انسان یا حیوان یا شجر بحث نمی‌شود بلکه از کلیت کلیات و این که آیا یک کلی چگونه و با چه شرایطی کلیت و عمومیت دارد بحث می‌کنیم و معلوم است که کلیت عرضی است که تنها در ذهن پدید می‌آید و اتصاف هر یک از کلیات نیز به این عرض در ذهن می‌باشد.

ولی طرح مسئله تصور و تصدیق در آغاز کتب منطقی و مباحثی که تدریجاً درباره آن در همان موضع مطرح شده است، باعث شده تا کثیری از مسائل مربوط به تصور و تصدیق در مفتح کتب منطق، مطرح و بسیاری از مسائل مربوط به آن مورد پی‌جویی و کاوش واقع شود. منطقیان، به هنگام شروع بحث درباره منطق نخست به تعریف علم و سپس تقسیمات آن مبادرت می‌ورزند و از این رهگذر به تعریف تصور و تصدیق روی می‌آورند. یعنی علم را عبارت از حصول صورت شیء نزد عقل می‌دانند و آن را به دو قسم تصور و تصدیق تقسیم می‌کنند و هیچ معرفتی را از حیطة این اقسام دانش بیرون نمی‌دانند. این تقسیم به نوبه خود باعث پیدایش متدولوژی خاصی در علوم اسلامی می‌شود که از اختصاصات خاص معارف اسلامی است و به دلیل نقش مهم بوعلی‌سینا در پایه‌گذاری آن می‌توان آن را متدولوژی سینایی خواند.

سر لوحه این متدولوژی تحقیقاتی، همین دو بخشی علم به تصور و تصدیق است که در بدایت هر دانش اسلامی باید این دو گونگی به صورت یک اصل موضوع یا یک روش تعلیماتی پذیرفته شده، مسلم فرض شود تا یک پژوهنده بتواند کار پژوهشگری خود را آغاز کند و به ترتیب معینی به انجام برساند.^۳

این که گفته شد، این تقسیم‌بندی از اختصاصات

□ برخی از حکیمان و دانشمندان به تصنیف و تالیف رساله‌های
مستقلی درباره مسئله تصور و تصدیق و روشن نمودن وجوه
گونگون آن دست یازیده‌اند که از آن جمله می‌توان به رساله‌های
تصور و تصدیق قطب رازی و صدر شیرازی اشاره کرد.

مصحح این رساله را بر مبنای ۹ نسخه خطی و ۵ نسخه چاپی تصحیح کرده‌اند و از این میان نسخه مجموعه شماره ۴۳۳۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران کتابت شده به سال ۹۸۴ به خط محمد باقرین عبدالله شیرازی را نسخه اساس قرار داده‌اند.

چنانکه از متن رساله مطبوعه هریداست، مصحح با دقت بسیار تقریباً جمیع مآخذ اصلی اقوال و مطالب منقوله در متن را مورد شناسایی قرارداده و آنها را از نسخ مخطوط و مطبوع مشخص کرده‌اند و روشن است که در این باب زحمت بسیاری را بر خود هموار کرده و تحمل مشاق فراوان کرده‌اند. علاوه بر آن با قراردادن فصول و عناوینی برای قسمت‌های مختلف رساله، مباحث را از یکدیگر تفکیک و مجزا کرده‌اند. همچنین با معرب و مشکول کردن کلماتی که مورد ابهام یا تغییر معنا بوده است، قرائت صحیح متن را ممکن ساخته‌اند. چنانکه بر مواضع دشوار و یا نیازمند توضیح تعلیقات و حواشی مفید زده و فواید رساله را افزون ساخته‌اند.

قسمت دوم کتاب هم مشتمل بر رساله تصور و تصدیق ملاصدراست با مقدمه تحقیق مصحح شامل شرح حال مختصر صدرالمتألهین و اساتید و شاگردان و آثار او و بیان کلی مطالب رساله و راه و روش خاص صدرا در آن و بعد هم معرفی نسخ و روش تصحیح. این رساله نیز بر مبنای شش نسخه خطی و یک نسخه چاپ سنگی (که ملحق به الجوهر النضید علامه حلی طبع شده است) تصحیح شده و در آن نسخه شماره ۱۳۷۰ کتابخانه مدرسه فیضیه، نسخه اصل قرار داده شده است. تصحیح این رساله نیز به همان روش تصحیح رساله قطب رازی صورت گرفته و در آن ضمن استناد به نسخه اصل، جمیع نسخه بدلها در حاشیه منعکس شده و تقریباً همه اقوال مذکور در متن مآخذ یابی شده و برای نخستین این رساله صدرالمتألهین به صورت کاملاً تحقیقی و انتقادی مورد تصحیح و تحقیق قرار گرفته و به بیان دقیق‌تر برای نخستین بار یک اثر صدرالمتألهین به این سبک و با این دقت تصحیح شده است.

طبع این دو رساله در کنار یکدیگر هم مجال مقایسه و تطبیق بین آراء این دو حکیم را در مسئله مورد بحث

پس از آن به ذکر کتبی که مسئله تصور و تصدیق را مطرح کرده و در این زمینه دارای اهمیت می‌باشند پرداخته و به ترتیب تاریخی، ۶۵ اثر را از ۳۱ مؤلف، نام برده‌اند و بعد هم رساله‌های مفرده‌ای را که در این باب تألیف شده است متذکر شده‌اند و در این باب هم اسامی ۱۳ رساله را فهرست کرده‌اند.

در فصول بعد برای طرح بحث تحلیلی در مورد تصور و تصدیق نخست دو مقدمه در باب مسئله علم و اقوال مختلف در مورد آن و مقسم واقعی تصور و تصدیق و تعریف این مقسم و مقدمه‌ای هم در مورد حکم که مأخوذ در تعریف تصدیق است، یاد کرده‌اند. پس از ذکر این دو مقدمه به اصل مسئله تصور و تصدیق پرداخته، اقوال مختلف را در مورد هر یک مطرح کرده، نسبت هر یک را با دیگری مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. مصحح محترم در تمامی این مباحث از بسیاری منابع و مآخذ که بعضی از آنها مخطوط و بعضی مطبوع ولی بسیار نادر الوجود است، استفاده کرده‌اند که از قسم نخست به عنوان نمونه می‌توان از شرح کشف الاسرار کاتبی قزوینی و شرح تلویحات ابن کمونه و شرح میزان القسطاس سمرقندی و از قسم دوم از کتبی همچون شرح طوابع الاسرار ابوالثناء اصفهانی و حاشیه کلنبوی بر حاشیه ابوالفتح نام برد.

مصحح پس از این تمهید عام، در مقدمه تحقیق رساله قطب رازی پس از ذکر احوال و آثار او و اساتید و شاگردان و سایر مطالب مربوط به ترجمه حال وی (که همه اینها به صورت کاملاً مستند و مبتنی بر مآخذ و منابع مختلف و متنوع تراجم احوال و فهارس متعدد صورت گرفته) به بحث درباره متن رساله تصور و تصدیق پرداخته‌اند. در این قسمت نخست درباره نام رساله و سپس میزان صحت انتساب آن به قطب تحقیق کرده‌اند و با ادله مختلف صحت انتساب را کاملاً تقویت و تأیید کرده‌اند و در قسمت بعد هم با انعقاد فصلی به نام «راه و روش قطب رازی در رساله‌اش» آراء اختصاصی وی در مسئله تصور و تصدیق را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. در پایان مقدمه تحقیق نیز نسخ خطی و چاپی مورد استفاده در تصحیح و روش آن معرفی شده است.

□ مصحح در فصلی که با عنوان «تمهید عام» در آغاز رساله قطب رازی منعقد کرده‌اند، نخست به پیشینه تاریخی بحث تصور و تصدیق اشاره کرده، ضمن رد قول کسانی که آن را از ابداعات فارابی دانسته‌اند ردپای بحث در آثار ارسطو را نشان داده،

۴- در صفحه ۵۱، آمده: وحدة طبیعیة غیر تألیفیه و در نسخه (ش) به جای غیر تألیفیه آمده غیر الآخر و تألیفیه به عنوان نسخه بدل ذکر شده است، ولی این ضبط در پاورقی منعکس نشده است.

۵- در، ص ۵۳، آمده است: و الحق ان مفهوم التصور عين التصديق جعلاً و وجوداً و در نسخه (ش) به جای عین التصدیق، غیر التصدیق آمده که در پاورقی منعکس نشده. ۶- در صفحه ۶، ضمن جستجو در پیشینه تاریخی مسئله تصور و تصدیق در آثار ارسطو، تنها به یک موضع از آثار او آن هم از کتاب تحلیلات ثانیه، بسنده شده است. ولی در این باب در آثار ارسطو هم مواضع دیگری هست و هم وضوح بیشتری دارد که به سه مورد آن و فلسف در مقاله ممتّع و فاضلانہ خود اشاره کرده است:

الف) فصل چهارم از کتاب عبارت که در آن ارسطو می‌گوید: «یک قول یا گزاره اگر جازم باشد متضمن صدق یا کذب است، در صورتی که لفظ با آن که معنی دارد بیان صدق و کذب نمی‌کند».^۷

ب) فصل سوم از کتاب نفس، که در آن ارسطو می‌گوید: «خبر گفتن چیزی است درباره چیزی دیگر، مثلاً به صورت ایجاب، و در هر حال یا صادق است یا کاذب».^۸

ج) فصل دوم از تحلیلات اولی است؛ آنجا که ارسطو هر تعلیم و تعلم ذهنی را مسبوق به علم قبلی می‌داند.^۹

۷- در صفحه ۱۱ ضمن برشمردن جمیع مآخذی که در آنها مبحث تصور و تصدیق آمده و آن آثار از این جهت اهمیت خاصی دارند^{۱۰}، کتابهای قابل ذکری از قلم افتاده

ممکن می‌سازد و هم موارد استفاده فراوان صدرالمتألهین را از رساله تصور و تصدیق قطب، در عین حفظ استقلال رای نشان می‌دهد. هر تصحیح خوب، علاوه بر ارائه یک متن منقح از متن، فوائد بسیار دیگری از جهت ترسیم دقیق خطوط تحول افکار و اندیشه‌ها و یا بازنمایی نادرستی استنتاجات مختلفی که بر مبنای متن تنقیح نشده به دست آمده نیز دارد. چنانکه دقت مصحح همین کتاب، در مقایسه دقیق دو رساله و یا ذکر دقیق مآخذ، بعضی اشتباهات ناشی از استفاده از متن نامحقق (یعنی همان چاپ سنگی) را که در ترجمه رساله تصور و تصدیق صدرالمتألهین راه یافته نشان می‌دهد. چنانکه در همان ترجمه مثلاً مطلبی را که از شارح حکمة الاشراق است^۴ به خواجه طوسی نسبت می‌دهد^۵ و یا در پاسخ شبهه‌ای که جواب آن در نقل صدرالمتألهین از شارح حکمة الاشراق ساقط شده، ناچار به توجیه می‌شود.^۶

با این همه نگارنده ضمن مطالعه کتاب به نکاتی برخورد که مناسب دید، آنها را در این مقاله متذکر شود:

۱- مصحح معیار خود را در انتخاب نسخه اصل از رساله تصور و تصدیق قطب رازی قدمت تاریخی و دقت ناسخ در ضبط کلمات ذکر کرده‌اند ولی در انتخاب نسخه اصل برای تصحیح رساله تصور و تصدیق ملاصدرا، از این اصل تبعیت نکرده، دلیل خود را در انتخاب نسخه اصل، صحت و دقت آن و وضوح خط ناسخ ذکر کرده‌اند. در عین حال که به گفته خود مصحح محترم نسخه (ی) اقدم نسخ است و سقطات آن نیز اندک.

۲- مجموعه نسخ موجود دو رساله را در کتابخانه‌هایی که فهرست آنها در اختیار است، به دست نداده‌اند و دلیل خاص خود در استفاده از نسخ مورد مراجعه را نیز متذکر نشده‌اند. حال آنکه به عنوان مثال از رساله تصور و تصدیق ملاصدرا علاوه بر نسخ مورد استفاده مصحح محترم، نسخه‌های دیگری نیز در مجلس شورای اسلامی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه مسجد گوهرشاد موجود است.

۳- در، ص ۴۸، رساله صدرالمتألهین آمده است: فلا بد ان يكون صورة كل شي عين حقيقته و ماهيته. در نسخه (ش) و ماهیته نیامده ولی در پاورقی هم ذکر نشده است.

۴- رسالتان فی التصور و التصديق، رساله صدرالمتألهین، ص ۷۱.

۵- آگاهی و گواهی، ص ۷۴.

۶- پیشین، ص ۷۹ و رسالتان فی التصور و التصديق، ص ۷۳.

۷- منطق و مباحث الفاظ، به اهتمام مهدی محقق، موسسه مطالعات اسلامی، مقاله و فلسف، ترجمه احمد آرام، ص ۴۴۹.

۸- پیشین، ص ۴۵۰.

۹- پیشین، ص ۴۵۱.

۱۰- عبارت مصحح چنین است:

و نحن نرى من الجدير استقصاء جميع مصادر هذا البحث التي قد اكتسبت مدخلا عظيما في تطوره و ارتقائه منذ الفارابي الى عصرنا الحاضر.

□ هر تصحیح خوب، علاوه بر ارائه یک متن منقح از متن، فوائد بسیار دیگری از جهت ترسیم دقیق خطوط تحول افکار و اندیشه‌ها و یا بازنمایی نادرستی استنتاجات مختلفی که بر مبنای متن تنقیح نشده به دست آمده نیز دارد.

۱۳- در صفحات ۲۱ به بعد، ضمن معرفی رساله تصور و تصدیق ملاصدرا از ترجمه محققانه و انتقادی آن که توسط استاد دکتر مهدی حائری یزدی صورت گرفته، یادی نکرده‌اند.

۱۴- در صفحه ۲۹، ضمن ذکر نسخ چاپی رساله تصور و تصدیق ملاصدرا، از نسخه تصحیح و طبع شده توسط آقای محسن بیدارفر که در پایان الجواهر النضید به تصحیح خود ایشان، آمده یاد نکرده‌اند، با آن که این طبع از رساله پس از چاپ سنگی، تنها نسخه چاپ شده و مصحح این رساله است.

۱۵- آنچه در صفحه ۹۰، در گفتار صدرالمتألهین به عنوان جواب از اشکال سوم آمده، مأخوذ از حاشیه میرسید شریف بر شرح مطالع^{۱۵} است. همچنین است آنچه در صفحه ۹۳، به عنوان «و اما الثانی» ذکر شده، مأخوذ از حاشیه میرسید شریف بر همان کتاب^{۱۶} است و همین طور است آنچه با عنوان «و اما الثالث» در همان صفحه آمده، مأخوذ از حاشیه میرسید شریف بر شرح شمسیه قطب رازی است.^{۱۷}

در پایان ضمن قدر دانی مجدد از زحمات مصحح محترم، توفیق هر چه بیشتر ایشان در احیاء تراث اسلامی و خدمت به علوم آل محمد (علیهم‌السلام) از خداوند متعال خواهانیم. □

۱۱- مجله معارف، سال اول، شماره اول، مقاله استاد دانش پژوه، با عنوان «درباره شرح العبارة یا گزارش نامه فارابی»، ص ۱۵۱.
12. N. Rescher. *The Development of Arabic Logic*. university of Pittsburg. 1964. p. 209.

۱۳- لازم به ذکر است که شماره صفحات منقوله از اینجا به بعد مربوط به رساله ملاصدراست.

۱۴- الواردات القلییه فی معرفة الربوبیه، ملاصدرا، تصحیح احمد شفیعیها، انجمن فلسفه ایران، ص ۲۱.

۱۵- شرح المطالع، قطب‌الدین رازی، کنی نجفی، ص ۲۲ (حاشیه شریف).

۱۶- پیشین، ص ۸ (حاشیه شریف).

۱۷- شرح الشمسیه، قطب‌الدین رازی، اسلامی، ص ۶۵ (حاشیه شریف).

است که اهمیت آنها اگر از منتقی الجمان و کشاف اصطلاحات الفنون بیشتر نباشد حتماً کمتر نیست. ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- شرح العبارة، فارابی؛ ۲- برهان الاوسط الکبیر، فارابی؛ ۳- تلخیص کتاب العبارة، ابن رشد؛ ۴- عیون الحکمة، ابن سینا؛ ۵- کشف الحقائق فی تحریر الدقائق، ابهری، مجموعه میکروفیلمهای دانشگاه، شماره ۱۳۴۵؛ ۶- بیان الحق و لسان الصدق، ارموی، کتابخانه آستان قدس نسخه شماره ۲۸۴۳؛ ۷- التحصیل، بهمنیار؛ ۸- الاسرار الخفیه، علامه حلی، کتابخانه مجلس شورا؛ ۹- الجواهر النضید، علامه حلی؛ ۱۰- القسطاس، غزالی؛ ۱۱- حاشیه ملاعبده؛

۸- از صفحه ۵۹ به بعد ضمن معرفی رساله تصور و تصدیق قطب رازی به شروح آن اشاره نشده است از جمله: الف) لواء الهدی فی اللیل و الدجی، غلام یحیی بهاری؛ ب) هدایة الوری الی لواء الهدی، محمد عبدالحی؛ ج) مصباح الهدی فی لواء الدجی، محمد عبدالحی؛ د) نورالهدی لجملة انوار الهدی، محمد عبدالحی^{۱۱}

۹- در صفحه ۱۲۷، ضمن معرفی شمس الدین سمرقندی منطق دان قرن هفتم، به سال ولادت و وفاتش اشاره نشده است. سال ولادتش را در بعضی مأخذ حدود ۶۴۰ و سال وفاتش را ۷۰۴ ذکر کرده‌اند.^{۱۲}

۱۰- در صفحه ۱۲۵، آنجا که قطب رازی می‌گوید: «وقال صاحب المطالع فی کتاب البیان» اشاره‌ای به ماخذ این قول یعنی کتاب «بیان الحق و لسان الصدق» ارموی که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۸۴۳ موجود است، نشده است.

۱۱- مقاله ممتع و لفسن با عنوان «دو اصطلاح تصور و تصدیق در فلسفه اسلامی» ترجمه احمد آرام که در مجموعه منطق و مباحث الفاظ آمده، در نگارش مقدمه مصحح مورد استفاده قرار نگرفته است.

۱۲- در صفحات ۱۷ و ۱۳۱۸، ضمن ذکر کتب مسلم صدرالمتألهین از «حاشیه رواشع» یاد کرده‌اند در حالی که آقایان آشتیانی و دانش پژوه و نصر در صحت این انتساب تردید کرده‌اند.^{۱۴}